

**Evaluation of Entrepreneurship Teaching Skills According to the Borich Model: Mixed Method**

Saba ojaghi<sup>1\*</sup>, Nader Naderi<sup>2</sup>, Bijan Rezaee<sup>3</sup>

1. Master in Entrepreneurship Management, Razi University of Kermanshah

2. PhD in Educational Administration, Assistant Professor, Department of Entrepreneurship Management, Razi University of Kermanshah

3. PhD in Educational Administration, Assistant Professor, Department of Entrepreneurship Management, Razi University of Kermanshah

**ارزیابی مهارت‌های تدریس کارآفرینی بر اساس مدل بوریج: رویکرد آمیخته**

صبا اجاقی<sup>۱\*</sup>، نادر نادری<sup>۲</sup>، بیژن رضایی<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه؛ ۲. دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، استادیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه؛ ۳. دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، استادیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

**Abstract**

**Purpose:** The present research is going to answer this question that how was the entrepreneur education service based on BORICH model at universities in Kermanshah city? This study is an applied and qualitative - quantitative (mixed method): The survey population for qualitative part are 22 people that they are entrepreneur expert and teachers and 17 people of them contribute to research. Also, the survey population in quantitative part are Kermanshah technical students that they are 104 people and 82 of them are chosen using Morgan and Sample table. In this research, first using the open questionnaire, the entrepreneur experts and teachers answered questions about skill for teaching the entrepreneur and their ideas categorized into 4 personal traits, teaching skills, experimental skills and communication skills categories by inductive content analysis, then 35 items included in a self-made questionnaire to ranking and priority based on BORICH model and it given to students.

**Findings:** Based on BORICH model they concluded that among the skills of entrepreneur course teaching, teaching skills, experimental skills, personal traits and communication skills of entrepreneur teachers are important, respectively.

**Keywords:** teaching skills, experimental skills, personal traits, communication skills, BORICH Model.

**چکیده**

**هدف:** پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است که کیفیت خدمات آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های شهر کرمانشاه بر اساس مدل بوریج چگونه است؟

**روش:** تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نوع پژوهش‌های کیفی-کمی (آمیخته) است. جمعیت مورد مطالعه در بخش کیفی این پژوهش را صاحب‌نظران کارآفرینی به تعداد ۲۲ نفر تشکیل می‌دهند که ۱۷ نفر از آنان حاضر به همکاری با محقق بودند. همچنین جمعیت مورد مطالعه در بخش کمی نیز هنرآموزان دانشگاه فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه تعداد ۱۰۴ نفر است که با استفاده از جدول مورگان و مورگان تعداد ۸۲ نفر از آنها انتخاب شدند. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از پرسشنامه باز پاسخ از اساتید و صاحب‌نظران کارآفرینی در خصوص مهارت‌های مورد نیاز جهت تدریس دروس کارآفرینی نظر سنجی به عمل آمد و گویه‌های به دست آمده با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی در ۴ مقوله ویژگی‌های فردی، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی و مهارت‌های ارتباطی طبقه‌بندی گردید. سپس ۳۵ گویه به دست آمده جهت رتبه بندی و تعیین اولویت بر اساس مدل بوریج، در پرسشنامه‌ای محقق ساخته گنجانده شد و در اختیار هنرآموزان دانشکده فنی و حرفه‌ای کرمانشاه قرار گرفت.

**یافته‌ها:** بر اساس مدل بوریج مشخص گردید که از میان مهارت‌های مربوط به تدریس واحد کارآفرینی، به ترتیب اولویت، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی، ویژگی‌های فردی و مهارت‌های ارتباطی اساتید و مدرسان کارآفرینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**کلید واژه‌ها:** مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی، ویژگی‌های فردی، مهارت‌های ارتباطی، مدل بوریج.

Accepted Date: 2016/04/13

Received Date: 2016/12/03

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

## مقدمه و بیان مسأله

نظام آموزش عالی در جوامع نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند و در ایران نیز آموزش عالی وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه در زمینه صنعت، کشاورزی و خدمات را بر عهده دارد (بازرگان، ۱۳۸۰). به دلیل این رسالت مهم، کیفیت خدمات در آموزش عالی در طی دو دهه اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب نموده است و به یک هدف مهم تبدیل شده است. دانشگاه‌ها برای کسب مزیت رقابتی از طریق کیفیت آموزش و کسب شهرت تلاش می‌نمایند (Chin & Pun, 2002). به اعتقاد سازمان علمی، فرهنگی و آموزش ملل متحد (UNESCO<sup>۱</sup>) کیفیت آموزش باید در هر جامعه‌ای مورد تأکید قرار گیرد، چرا که علاوه بر پاداش اقتصادی، مزایای غیراقتصادی مثل ارتقای بهداشت و سلامت، کاهش بزهکاری و ناهنجاری اجتماعی را نیز به دنبال دارد. با توجه به اهمیت کیفیت در آموزش عالی، تحقیق در مورد کیفیت آموزش از دیدگاه دانشجویان به طور فزاینده‌ای هم از سوی مؤسسات آموزش عالی و هم از سوی سهام‌داران و ذینفعان بیرونی مثل مراجع ارزیابی کیفیت مورد توجه قرار گرفته است (Al-Hawaj & Elali, 2008). مشتریان آموزش عالی را دانشجویان، کارکنان، هیأت علمی، صنایع و جامعه تشکیل می‌دهند، در بین آنها، دانشجویان بیشترین توجه را به خود جلب نموده‌اند، زیرا انتظارات برآورده نشده آنان، عوامل کلیدی برای رویگردانی از مؤسسات مذکور است (Fitri & et all).

ارتقای مداوم کیفیت علم، دانشگاه و آموزش عالی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های دنیای رقابتی در عصر اطلاعات و اقتصاد دانش، مستلزم توسعه درونزای فرهنگ ارزشیابی است که به نوبه خود نیازمند روحیات و رفتارهای خود ارزیابی و خود تنظیمی و التزام درونی به کیفیت در میان همکاران و ذینفعان علم و آموزش عالی است (فراستخواه، ۱۳۸۵).

طی دو دهه اخیر تعداد دانشجویان کشور چندین برابر شده است، اما همزمان با این افزایش سایر عوامل آموزش عالی از جمله هیأت علمی و امکانات آموزشی و پژوهشی از رشد هماهنگ با جمعیت دانشجویی بهره‌مند نبوده‌اند (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹). بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهند که دانش‌آموختگانی که محصول نظام آموزش عالی کشور به شمار می‌آیند، فاقد توانمندی‌های لازم هستند و به جای ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی و مشارکت در توسعه ملی خود به دنبال استخدام شدن، مخصوصاً در بخش دولتی هستند (پزشکی راد و محتشم، ۱۳۸۲).

(Dixon, 2006)، در ضرورت و چرایی ارزشیابی آموزش عالی این‌طور بیان می‌کند که این امر موجب می‌شود که هیأت علمی و دانشجویان در درون هر مؤسسه/ برنامه و اجتماع علمی در بیرون آن به میزان کیفیت فعالیت‌های علمی و آموزشی و هنجارهای دانشگاهی آگاهی پیدا کنند و به صورت مداوم کیفیت فعالیت‌های خود را افزایش دهند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از دلایل

عمده برای اجرای امر ارزشیابی فراهم آوردن اطلاعات مستدل در جهت بهبود برنامه‌ها و یا تصمیم‌گیری‌های مهم است. هدف ارزیابی مانند نظارت، گردآوری داده‌ها برای بهبود فرآیند برنامه‌ریزی است. ارزشیابی از کار معلم با توجه به اهداف آموزشی، چگونگی اداره کلاس، روش‌های برخورد و ارتباط با دانش‌آموزان، طرح‌های تدریس، چگونگی تدریس و چگونگی ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان همگی مواردی هستند که آنها تأکید دارد. به‌طور کلی ارزشیابی آموزشی می‌تواند به یکی و یا همگی متغیرهای زیر توجه نماید (Cangelosi, 1991): الف) صلاحیت و توان تدریس<sup>۱</sup>، ب) عملکرد تدریس<sup>۲</sup>، ج) نتایج کار دانش‌آموزان<sup>۳</sup>. صلاحیت تدریس مربوط به میزان و درجه‌ای است که معلم، ویژگی‌ها، توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های خود را برای یک آموزش مؤثر به نمایش می‌گذارد، سؤالاتی را می‌توان در مورد صلاحیت و توان تدریس به قرار زیر مطرح نمود: تا چه اندازه معلم با محتوای درسی، اصول و تکنیک‌های پذیرفته شده و تعلیم و تربیت آشناست؟ آیا معلم ویژگی‌های شخصیتی نظیر گرمی، اتکاء به نفس و قطعیت را که با آموزش مؤثر ارتباط دارند، از خود نشان می‌دهد؟ ارزشیابی از عملکرد و تدریس معمولاً اطلاعات دقیقی در مورد موقعیت‌های فراهم شده برای تدریس، مدیریت کلاس، کنترل کیفیت و یا تحقیق در خصوص تدریس را به‌دست می‌دهد. در اینجا به‌جای تأکید بر روی این که معلم قادر به انجام چه کاری هست، تأکید بر ارزشیابی کیفیت و مناسبت طرح درس و اجرای آن است (کانجوسی، ۱۹۸۶).

آموزش کارآفرینی به‌دنبال آماده سازی افراد برای درک موقعیت‌های کارآفرینی و استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای ایجاد کارآفرینی یا تفکر کارآفرینی است. از طریق آموزش، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه فرصت‌ها را بشناسند و آنها را از طریق ارائه ایده‌های جدید و تعیین منابع لازم دنبال کنند. آنها با آموزش می‌توانند توانایی اداره ریسک و توانایی تفکر خلاق و انتقادی را که بسترساز کارآفرینی است، در خود رشد دهند (کنجوری و مهدی زاده، ۱۳۹۲). با توجه به این که بررسی‌های پژوهشگران نشان از قابل اکتساب بودن بسیاری از ویژگی‌های کارآفرینان دارد، لذا، دوره‌های آموزشی مخصوص برای کارآفرینان طراحی شده است. هدف این دوره‌ها در مجموع تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، فرصت شناس و به‌طور کلی افرادی که تمایل قوی و بیشتری برای راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند، است. در حقیقت هدف اصلی از توسعه کارآفرینی همانا تربیت نمودن افرادی دارای اعتماد به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به‌طور کلی افرادی است که انگیزه‌ای قوی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید داشته باشند (Cotton, 1990). به بیان دیگر، این قبیل دوره‌ها به‌دنبال بهبود انگیزش و گرایش‌های افراد نسبت به استقلال، فرصت جویی،

1. Teaching Competence
2. Teaching Performance
3. Student Outcomes

ابتکار، تمایل به مخاطره‌پذیری، تعهد به کار، تمایل به حل مشکلات و لذت بردن از عدم قطعیت و ابهام است. به‌طور کلی در آموزش رشته کارآفرینی اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از مهم‌ترین این اهداف عبارتند از:

- ✓ کسب دانش مربوط به کارآفرینی؛
- ✓ کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی؛
- ✓ شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه؛
- ✓ القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی؛
- ✓ ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه‌های منحصر به فرد کارآفرینی (سکستون و کاساردا، ۱۹۹۲).
- ✓ تشویق و ترغیب کسب و کارهای جدید و سایر کسب و کارهای مخاطره‌آمیز کارآفرینان؛
- ✓ سوق دادن نگرش‌ها به سمت تغییر (گاروان و اوسینید، ۱۹۹۴).

گاروان و اوسینید با بررسی برنامه‌های آموزش کارآفرینی، محتوای آن را در قالب سه محور کلی مفهوم‌سازی نمودند:

۱. برنامه‌های مرحله شکل‌گیری کسب‌وکارها: بر کسب دانش در حوزه‌هایی همچون اطلاعات دانشی و زمینه‌ای در دنیای کسب و کار، ماهیت کارآفرینی، ویژگی‌های تیم‌های اثربخش و ماهیت تعاملات و فعالیت‌های کسب‌وکار تأکید می‌شود؛
۲. برنامه‌های مرحله توسعه کسب و کار: این برنامه‌ها بر مهارت‌ها و نگرش‌ها تأکید دارد، موضوعات محتوایی همچون برنامه‌ریزی کسب و کار، انتخاب بازار، برنامه‌ریزی مالی، شناسایی محصول و دریافت هدایای مالی؛
۳. برنامه‌های مرحله اجرای کسب و کار: این برنامه‌ها بر دانش‌ها و نگرش‌های کلی متمرکز است. برنامه‌هایی همچون برنامه‌ریزی مالی، مدیریت رشد کسب‌وکار، کارکردها و نگرش‌های مدیریت و تبادل اطلاعات از کارآفرینان به مدیران (Garavan & Ocinnid, 1994).

سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

- چه مهارت‌هایی برای مربیان و اساتید کارآفرینی به منظور تدریس درس کارآفرینی لازم و ضروری است؟
- آیا میان میانگین اهمیت و میانگین عملکرد مهارت‌های تدریس کارآفرینی اختلاف وجود دارد؟

شواهد موجود بیانگر این است که در کشور ما برنامه‌های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است.

احمدی (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی که تحت عنوان نیازسنجی آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران انجام داده است، به این نتیجه رسیده است که برنامه‌های درسی دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران نتوانسته دانش و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه کارآفرینی را در دانشجویان پرورش دهد و فارغ التحصیلان حتی آنانکه روحیه کارآفرینی بالایی دارند، پس از اتمام تحصیلات آماده ایجاد کسب و کار برای خود نیستند (احمد خانی و همکاران، ۱۳۸۹).

عزیزی و طاهری (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که از بین ۱۴ نوع روش تدریس کارآفرینی تنها از ۷ نوع روش تدریس استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد مدرسین از روش‌های متداول و ساده‌تری برای آموزش کارآفرینی استفاده نموده و از روش‌هایی که نیاز به صرف هزینه و هماهنگی بیشتری است، اجتناب می‌کنند. در حالی که کارآفرینی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و انتظار می‌رود از تمامی روش‌های ممکن و پیشرفته در راستای آموزش و یادگیری بهره برداری شود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که از بین محتوا و سرفصل‌های آموزشی تنها ۶ مورد (تعاریف، ویژگی‌ها، خلاقیت، طرح کسب و کار، بازاریابی و مراکز رشد) در کلاس‌های کارآفرینی برای دانشجویان ارائه شده است و از موضوعات دیگر مانند اصول کسب‌وکار، ارزیابی محیط و امور مالی کسب‌وکار غفلت شده است. علاوه بر آن موضوعات مطرح شده در کلاس‌های کارآفرینی قادر نبوده است، دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد، البته با توجه به ماهیت درس کارآفرینی که در ۲ واحد ارائه می‌شود، بیش از این انتظار نیست. بنابراین جهت ارائه محتوای درسی متنوع باید دروس کارآفرینی بیشتری ارائه شود (عزیزی و طاهری، ۱۳۹۲). (Tam, 2009)، اثر آموزش کارآفرینی بر نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان را بررسی کرده و نگرش کارآفرینانه را به‌عنوان متغیر عملیاتی در نظر گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی بر افزایش نگرش کارآفرینانه اثرگذار بوده و تغییر قابل توجهی در نگرش کارآفرینانه دانشجویان، قبل و بعد از دوره آموزش کارآفرینی مشاهده شد. چنگ (۲۰۰۹) در تحقیقی روی اثربخشی آموزش کارآفرینی در مالزی به این نتیجه رسید که این آموزش هماهنگ کننده انتظارات دانشجویان با کسب مهارت آنها نیست.

لذا با توجه به اهمیت روزافزون بعد کیفی آموزش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، پژوهش حاضر با هدف ارتقای سطح کیفی آموزش در رشته نوپای کارآفرینی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای کرمانشاه انجام شد.

### روش‌شناسی پژوهش

به‌طور کلی روش‌های پژوهش را می‌توان با توجه به سه ملاک (الف) هدف پژوهش؛ (ب) ماهیت؛ (ج) نحوه گردآوری داده‌ها؛ تقسیم‌بندی کرد. از آنجایی که در پژوهش حاضر سعی شده است که به

توسعه دانش کاربردی در زمینه آموزش کارآفرینی توجه و کمک شود، می‌توان آن را از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی به شمار آورد. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های کیفی- کمی (آمیخته) است. روش تحقیق در بخش کیفی این پژوهش، از نوع تحلیل محتوای استقرایی است. جمعیت مورد مطالعه در بخش کیفی تحقیق را اساتید و مربیان کارآفرینی که مسئولیت تدریس واحد کارآفرینی را برعهده دارند، تشکیل می‌دهد که تعداد آنها در مؤسسات آموزش عالی کرمانشاه، ۲۲ نفر است. برخی از اساتید و مربیان کارآفرینی در دانشگاه‌های مورد بررسی، حاضر به همکاری با محقق نبوده که این تعداد به ۵ نفر می‌رسد، لذا از تعداد ۲۲ نفر، ۱۷ نفر از اساتید و مربیان کارآفرینی پاسخگوی سؤالات محقق بودند. با توجه به تعداد اندک اساتید و مربیان کارآفرینی در شهرستان کرمانشاه، نمونه‌گیری از بین اساتید کارآفرینی به روش هدفمند انجام گردید. روش تحقیق در بخش کمی، از نوع پیمایشی- مقطعی است. جمعیت مورد مطالعه در بخش کمی این پژوهش، دانشجویان دانشکده فنی و حرفه‌ای کرمانشاه (دانشجویانی که واحد کارآفرینی را اخذ کرده‌اند) به تعداد ۱۰۴ نفر است که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۸۲ نفر از آنها انتخاب شدند. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از پرسشنامه باز پاسخ از اساتید و صاحب‌نظران کارآفرینی در خصوص مهارت‌های مورد نیاز جهت تدریس دروس کارآفرینی نظرسنجی به‌عمل آمد و گویه‌های به‌دست آمده با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی در ۴ مقوله ویژگی‌های فردی، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی و مهارت‌های ارتباطی طبقه‌بندی گردید. سپس ۳۵ گویه به‌دست آمده جهت رتبه‌بندی و تعیین اولویت بر اساس مدل بوریچ، در پرسشنامه‌ای محقق ساخته گنجانده شد و در اختیار هنرآموزان دانشکده فنی و حرفه‌ای کرمانشاه قرار گرفت.

در مدل بوریچ، برای تعیین نیازهای آموزشی، " میانگین وزنی نمرات " (MWDS)<sup>۱</sup> (معادله ۳) محاسبه می‌گردد. به این منظور، ابتدا " نمره تفاوت " (معادله ۱) و سپس " وزن نمره تفاوت " (معادله ۲) محاسبه می‌گردد. در پایان با جمع وزن نمرات تفاوت تقسیم بر تعداد افراد، میانگین وزنی نمرات تفاوت محاسبه می‌گردد و در نهایت نیازهای آموزشی بر اساس میانگین وزنی نمرات تفاوت، اولویت بندی می‌شوند.

$$\text{معادله (۱)} \quad I-C = \text{نمره تفاوت}$$

در این معادله، I میانگین اهمیت و C میانگین عملکرد است.

$$\text{معادله (۲)} \quad I(I-C) = \text{وزن نمره تفاوت}$$

$$\text{معادله (۳)} \quad \text{میانگین وزن نمره تفاوت} = \sum \frac{I(I-C)}{n} \quad \text{در این معادله } n \text{ تعداد افراد است.}$$

## یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، نظر اساتید و صاحبان نظر کارآفرینی در خصوص نیازهای آموزشی واحد کارآفرینی در چهار مقوله ویژگی‌های فردی، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی و مهارت‌های ارتباطی طبقه‌بندی گردید. گویه‌های مربوط به هر مقوله در جدول ذیل مشخص گردیده است:

جدول (۱): طبقه‌بندی مهارت‌های تدریس درس کارآفرینی از نظر صاحبان نظر

مقوله‌ها	گویه‌ها
ویژگی‌های فردی	۱. داشتن روحیه نقدپذیری اساتید و مدرسان کارآفرینی
	۲. ظاهر جذاب و آراسته اساتید کارآفرینی
	۳. رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از تبعیض در بین فراگیران
	۴. احترام و ارزش قائل شدن برای فراگیران
	۵. داشتن ثبات عاطفی و روانی به منظور جلب اعتماد و اطمینان فراگیران نسبت به خود
	۶. تواضع و فروتنی و دوری از غرور و تکبر
مهارت‌های تدریس	۷. دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به منظور تسهیل فرایند تدریس
	۸. بازدید از واحدهای تجاری و صنعتی فعال
	۹. برگزاری برخی از جلسات کلاس در محل فعالیت شرکت‌ها
	۱۰. به کارگیری روش‌های متنوع و نوین تدریس در حوزه کارآفرینی
	۱۱. تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان
	۱۲. طراحی و تدوین محتوای دروس کارآفرینی
	۱۳. بکارگیری تکنیک‌های انگیزشی در روند تدریس
	۱۴. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در فرایند تدریس
	۱۵. انتخاب و استفاده از منابع آموزشی مناسب و به روز جهت تدریس
	۱۶. آشنا نمودن دانشجویان با چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار کوچک
	۱۷. مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی
	۱۸. مدیریت جذاب کلاس درس
	۱۹. استفاده از روش حل مسأله در روند تدریس
	۲۰. استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران
	۲۱. استفاده از مدل‌ها و روش‌های مختلف ارزشیابی به منظور سنجش میزان یادگیری
	۲۲. ایجاد فرصت‌های آموزش عملی برای فراگیران در حوزه تخصصی
۲۳. ایجاد فرصت‌های لازم برای بروز ابتکار و خلاقیت در فراگیران	
مهارت‌های تجربی	۲۴. تجزیه و تحلیل نیازهای بازار کار و صنعت
	۲۵. تجربه کاری اساتید کارآفرینی در زمینه کسب و کار

	۲۶. شناخت کافی از محیط‌های کسب و کار در حوزه‌های مختلف
	۲۷. آشنایی کامل با واقعیت‌های موجود و شکاف‌های بازار
	۲۸. آگاه‌تر از امکانات موجود برای انجام فعالیت‌های اقتصادی
	۲۹. آگاه‌تر از موانع ورود به صنایع مختلف
	۳۰. آگاه‌تر از روند قانونی دریافت تسهیلات از مؤسسات مالی
مهارت‌های ارتباطی	۳۱. استفاده از انواع مهارت‌های کلامی و غیر کلامی در برخورد با فراگیران
	۳۲. توجه کافی و ابراز علاقه به فراگیران
	۳۳. برقراری ارتباط دوستانه با فراگیران
	۳۴. داشتن قدرت بیان و سخنوری قوی
	۳۵. ایجاد محیطی آرامش بخش در کلاس

سپس، ۳۵ گویه به دست آمده از بخش کیفی پژوهش، جهت رتبه‌بندی و تعیین اولویت در اختیار دانشجویان قرار گرفت و پس از تعیین میانگین اهمیت و میانگین عملکرد، میانگین وزن نمره تفاوت (MWDS) مشخص گردید و در پایان نیز گویه‌ها بر اساس نمره اولویت رتبه‌بندی گردید.

جدول (۲): نیازهای آموزشی فراگیران با استفاده از مدل بورپیچ

نمره اولویت	MWDS	میانگین عملکرد	میانگین اهمیت	نیازهای آموزشی
۱	۷/۵۱۲	۲/۳۴۱	۴/۰۱۲	ایجاد فرصت‌های آموزش عملی برای فراگیران در حوزه تخصصی
۲	۷/۱۹۵	۲/۳۹۰	۴/۰۰۰	بازدید از واحدهای تجاری و صنعتی فعال
۳	۷/۱۷۰	۲/۲۵۶	۳/۹۳۹	دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به منظور تسهیل فرایند تدریس
۴	۶/۸۴۱	۲/۵۳۶	۴/۰۰۰	آشنا نمودن دانشجویان با چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار کوچک
۵	۶/۵۸۵	۲/۵۸۵	۴/۰۲۴	مدیریت جذاب کلاس درس
۶	۶/۴۸۷	۲/۳۲۹	۳/۸۴۱	ایجاد فرصت‌های لازم برای بروز ابتکار و خلاقیت در فراگیران
۷	۶/۴۵۱	۲/۷۱۹	۴/۱۳۴	تجربه کاری اساتید کارآفرینی در زمینه کسب و کار
۸	۵/۸۶۵	۲/۵۰۰	۳/۸۷۸	به‌کارگیری روش‌های متنوع و نوین تدریس در حوزه کارآفرینی
۹	۵/۸۲۹	۲/۶۵۸	۳/۹۵۱	استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران
۱۰	۵/۴۶۳	۲/۸۰۴	۳/۹۷۵	داشتن روحیه نقدپذیری اساتید و مدرسان کارآفرینی
۱۱	۵/۱۴۶	۲/۶۸۲	۳/۷۶۸	مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی
۱۲	۵/۰۲۴	۲/۳۱۷	۳/۵۶۰	به‌کارگیری تکنیک‌های انگیزشی در روند تدریس
۱۳	۴/۸۷۸	۲/۴۲۶	۳/۶۰۹	استفاده از روش حل مسأله در روند تدریس
۱۴	۴/۴۸۷	۲/۹۵۱	۳/۹۱۴	احترام و ارزش قائل شدن برای فراگیران



۱۵	۴/۴۱۴	۲/۸۵۳	۳/۸۱۷	استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در فرآیند تدریس
۱۶	۴/۳۵۳	۲/۷۳۱	۳/۶۹۵	تواضع و فروتنی و دوری از غرور و تکبر
۱۷	۴/۳۰۴	۲/۵۷۳	۳/۵۸۵	آشنایی کامل با واقعیت‌های موجود و شکاف‌های بازار
۱۸	۴/۲۸۰	۲/۱۰۹	۳/۲۴۳	برگزاری برخی از جلسات کلاس در محل فعالیت شرکت‌ها
۱۹	۴/۱۲۱	۲/۴۸۷	۳/۴۶۳	تجزیه و تحلیل نیازهای بازار کار و صنعت
۲۰	۳/۹۶۳	۳/۱۷۰	۳/۹۷۵	برقراری ارتباط دوستانه با فراگیران
۲۱	۳/۸۵۳	۳/۲۴۳	۴/۰۷۳	شناخت کافی از محیط‌های کسب و کار در حوزه‌های مختلف
۲۲	۳/۷۶۸	۲/۷۵۶	۳/۶۴۶	تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان
۲۳	۳/۷۳۱	۲/۹۸۷	۳/۷۶۸	توجه کافی و ابراز علاقه به فراگیران
۲۴	۳/۳۹۰	۲/۷۱۹	۳/۴۳۹	رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از تبعیض در بین فراگیران
۲۵	۳/۳۴۱	۳/۰۱۲	۳/۶۴۶	آگاه‌سازی امکانات موجود برای انجام فعالیت‌های اقتصادی
۲۶	۳/۳۲۹	۲/۹۶۳	۳/۵۹۷	آگاه‌سازی موانع ورود به صنایع مختلف
۲۷	۳/۲۵۶	۲/۹۷۵	۳/۶۵۸	آگاه‌سازی روند قانونی دریافت تسهیلات از مؤسسات مالی
۲۷	۳/۲۵۶	۲/۵۰۰	۳/۲۹۲	انتخاب و استفاده از منابع آموزشی مناسب و به روز جهت تدریس
۲۸	۲/۶۸۲	۳/۴۶۳	۳/۹۷۵	استفاده از انواع مهارت‌های کلامی و غیرکلامی در برخورد با فراگیران
۲۹	۲/۵۲۴	۳/۷۰۷	۴/۱۴۲	داشتن قدرت بیان و سخنوری قوی
۳۰	۲/۴۶۳	۲/۹۸۷	۳/۵۰۰	داشتن ثبات عاطفی و روانی به منظور جلب اعتماد و اطمینان فراگیران نسبت به خود
۳۱	۲/۲۵۶	۶/۸۱۷	۳/۴۱۴	طراحی و تدوین محتوای دروس کارآفرینی
۳۲	۲/۰۱۲	۳/۴۵۱	۳/۶۹۵	ایجاد محیطی آرامش‌بخش در کلاس
۳۳	۰/۵۰۰	۳/۵۸۵	۳/۵۰۰	استفاده از مدل‌ها و روش‌های مختلف ارزشیابی به منظور سنجش میزان یادگیری
۳۴	-۰/۱۲۱	۴/۰۰۰	۳/۷۸۰	ظاهر جذاب و آراسته اساتید کارآفرینی

در جدول ۳، نیازهای آموزشی دانشجویان بر اساس مقوله‌های به‌دست آمده از بخش کیفی پژوهش رتبه‌بندی گردید و پس از آن میانگین کلی هر یک از مقوله‌ها به تفکیک محاسبه و سپس مقایسه گردید و در پایان نیز، در جدول ۴، هر یک از مقوله‌های به‌دست آمده بر اساس نمره اولویت رتبه‌بندی گردید.

جدول (۳): اولویت‌بندی نیازهای آموزشی به تفکیک مقوله‌ها

مقوله‌ها	گویه‌ها	میانگین اهمیت	میانگین عملکرد	MWDS	نمره اولویت
ویژگی‌های فردی	داشتن روحیه نقدپذیری اساتید و مدرسان کارآفرینی	۳/۹۷۵	۲/۸۰۴	۵/۴۶۳	۱
	احترام و ارزش قائل شدن برای فراگیران	۳/۹۱۴	۲/۹۵۱	۴/۴۸۷	۲
	تواضع و فروتنی و دوری از غرور و تکبر	۳/۶۹۵	۲/۷۳۱	۴/۳۵۳	۳
	رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از تبعیض در بین فراگیران	۳/۴۳۹	۲/۷۱۹	۳/۳۹۰	۴
	داشتن ثبات عاطفی و روانی به‌منظور جلب اعتماد و اطمینان فراگیران نسبت به خود	۳/۵۰۰	۲/۹۸۷	۲/۴۶۳	۵
	ظاهر جذاب و آراسته اساتید کارآفرینی	۳/۷۸۰	۴/۰۰۰	-۰/۱۲۱	۶
میانگین ویژگی‌های فردی					
مهارت‌های تدریس	ایجاد فرصت‌های آموزش عملی برای فراگیران در حوزه تخصصی	۴/۰۱۲	۲/۳۴۱	۷/۵۱۲	۱
	بازدید از واحدهای تجاری و صنعتی فعال	۴/۰۰۰	۲/۳۹۰	۷/۱۹۵	۲
	دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به‌منظور تسهیل فرایند تدریس	۳/۹۳۹	۲/۲۵۶	۷/۱۷۰	۳
	آشنا نمودن دانشجویان با چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار کوچک	۴/۰۰۰	۲/۵۳۶	۶/۸۴۱	۴
	مدیریت جذاب کلاس درس	۴/۰۲۴	۲/۵۸۵	۶/۵۸۵	۵
	ایجاد فرصت‌های لازم برای بروز ابتکار و خلاقیت در فراگیران	۳/۸۴۱	۲/۳۲۹	۶/۴۸۷	۶
	به‌کارگیری روش‌های متنوع و نوین تدریس در حوزه کارآفرینی	۳/۸۷۸	۲/۵۰۰	۵/۸۶۵	۷
	استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران	۳/۹۵۱	۲/۶۵۸	۵/۸۲۹	۸
	مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی	۳/۷۶۸	۲/۶۸۲	۵/۱۴۶	۹
	بکارگیری تکنیک‌های انگیزشی در روند تدریس	۳/۵۶۰	۲/۳۱۷	۵/۰۲۴	۱۰
	استفاده از روش حل مسأله در روند تدریس	۳/۶۰۹	۲/۴۲۶	۴/۸۷۸	۱۱
	استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در فرآیند تدریس	۳/۸۱۷	۲/۸۵۳	۴/۴۱۴	۱۲
	برگزاری برخی از جلسات کلاس در محل فعالیت شرکت‌ها	۳/۲۴۳	۲/۱۰۹	۴/۲۸۰	۱۳

۱۴	۳/۷۶۸	۲/۷۵۶	۳/۶۴۶	تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان	
۱۵	۳/۲۵۶	۲/۵۰۰	۳/۲۹۲	انتخاب و استفاده از منابع آموزشی مناسب و به روز جهت تدریس	
۱۶	۲/۲۵۶	۶/۸۱۷	۳/۴۱۴	طراحی و تدوین محتوای دروس کارآفرینی	
۱۷	۰/۵۰۰	۳/۵۸۵	۳/۵۰۰	استفاده از مدل‌ها و روش‌های مختلف ارزشیابی به منظور سنجش میزان یادگیری	
-	۵/۱۱۸	۲/۸۰۲	۳/۷۳۴	میانگین مهارت‌های تدریس	
۱	۶/۴۵۱	۲/۷۱۹	۴/۱۳۴	تجربه کاری اساتید کارآفرینی در زمینه کسب و کار	مهارت‌های تجربی
۲	۴/۳۰۴	۲/۵۷۳	۳/۵۸۵	آشنایی کامل با واقعیت‌های موجود و شکاف‌های بازار	
۳	۴/۱۲۱	۲/۴۸۷	۳/۴۶۳	تجزیه و تحلیل نیازهای بازار کار و صنعت	
۴	۳/۸۵۳	۳/۲۴۳	۴/۰۷۳	شناخت کافی از محیط‌های کسب و کار در حوزه‌های مختلف	
۵	۳/۳۴۱	۳/۰۱۲	۳/۶۴۶	آگاهی از امکانات موجود برای انجام فعالیت‌های اقتصادی	
۶	۳/۳۲۹	۲/۹۶۳	۳/۵۹۷	آگاهی از موانع ورود به صنایع مختلف	
۷	۳/۲۵۶	۲/۹۷۵	۳/۶۵۸	آگاهی از روند قانونی دریافت تسهیلات از مؤسسات مالی	
-	۴/۰۹۳	۲/۸۵۳	۳/۷۳۶	میانگین مهارت‌های تجربی	
۱	۳/۹۶۳	۳/۱۷۰	۳/۹۷۵	برقراری ارتباط دوستانه با فراگیران	مهارت‌های ارتباطی
۲	۳/۷۳۱	۲/۹۸۷	۳/۷۶۸	توجه کافی و ابراز علاقه به فراگیران	
۳	۲/۶۸۲	۳/۴۶۳	۳/۹۷۵	استفاده از انواع مهارت‌های کلامی و غیر کلامی در برخورد با فراگیران	
۴	۲/۵۲۴	۳/۷۰۷	۴/۱۴۲	داشتن قدرت بیان و سخنوری قوی	
۵	۲/۰۱۲	۳/۴۵۱	۳/۶۹۵	ایجاد محیطی آرامش بخش در کلاس	
-	۲/۹۸۲	۳/۳۵۵	۳/۹۱۱	میانگین مهارت‌های ارتباطی	

مهارت‌های تدریس با میانگین وزنی نمره تفاوت ۵/۱۱۸، رتبه اول؛ مهارت‌های تجربی با میانگین وزنی ۴/۰۹۳، رتبه دوم؛ ویژگی‌های فردی با میانگین وزنی ۳/۳۳۹، رتبه سوم و مهارت‌های ارتباطی با میانگین وزنی ۲/۹۸۲، رتبه چهارم را به خود اختصاص دادند.

جدول (۴): اولویت‌بندی نهایی مهارت‌های تدریس بر اساس مدل بورچ

نمره اولویت	MWDS	میانگین عملکرد	میانگین اهمیت	مقوله‌ها
۱	۵/۱۱۸	۲/۸۰۲	۳/۷۳۴	مهارت‌های تدریس
۲	۴/۰۹۳	۲/۸۵۳	۳/۷۳۶	مهارت‌های تجربی
۳	۳/۳۳۹	۳/۰۳۲	۳/۷۱۷	ویژگی‌های فردی
۴	۲/۹۸۲	۳/۳۵۵	۳/۹۱۱	مهارت‌های ارتباطی

### بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، ۴ بعد اساسی از مهارت‌های تدریس درس کارآفرینی مورد توجه اساتید و صاحب‌نظران کارآفرینی قرار گرفت که عبارتند از: ویژگی‌های فردی اساتید و مدرسان کارآفرینی، مهارت‌های تدریس، مهارت‌های تجربی و مهارت‌های ارتباطی. از نظر هنرآموزان دانشگاه فنی و حرفه‌ای کرمانشاه، از میان مقولات به دست آمده از بخش کیفی پژوهش، مهارت‌های تدریس از لحاظ میزان اهمیت، دارای بالاترین درجه با میانگین وزنی تفاوت (۵/۱۱۸) و پس از آن به ترتیب مهارت‌های تجربی با میانگین وزنی (۴/۰۹۳)، ویژگی‌های فردی با میانگین وزنی (۳/۳۳۹) و مهارت‌های ارتباطی با میانگین وزنی (۲/۹۸۲) قرار می‌گیرد. هدف از ارائه درس کارآفرینی، آموزش دانشجویان برای خلاقیت و نوآوری و سودمندی بیشتر (Erkkila, 2000)، ارتقاء شناخت فرصت‌ها (Kent, 1990) و آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به دنیای واقعی کارآفرینی (Mwasalwiba, 2008) است. محتوای درس کارآفرینی باید با موارد زیر مطابقت داشته باشد: ارتباط با دنیای کار و زندگی، قابلیت به‌کارگیری مطالب درس در حل مسائل کاری، تقویت روحیه کارآفرینی و نگرش‌ها، شروع کسب و کار و ایجاد شغل و خدمت به اجتماع.

نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیق پوتر (Potter, 2008) مطابقت دارد. پوتر، مهم‌ترین انواع روش‌های تدریس درس کارآفرینی را سخنرانی کلاسی، مطالعات موردی، دعوت از کارآفرینان به عنوان سخنران میهمان، شروع کسب و کار توسط دانشجویان، بازی‌های کسب‌وکار، کارورزی در شرکت‌های کوچک، شبیه‌سازی، ایفای نقش و ... ذکر کرده است (Potter, 2008). طبق یافته‌های این پژوهش، اساتید کارآفرینی باید دارای ویژگی‌های فردی همانند روحیه نقدپذیری، رعایت عدالت و انصاف، ظاهر جذاب و آراسته باشد که با نتایج پفیانکو (۲۰۰۹) و کمیسیون اروپا (۲۰۰۸) هماهنگ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اساتید کارآفرینی بایستی روش‌ها و شیوه‌های یاددهنده مناسب از قبیل؛ استفاده از روش‌های تعاملی - مشارکتی، تبادل تجربه‌های شخصی کارآفرینی،

انتقال تجربه‌های مفید کارآفرینان به دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب و کار را شناسایی، انتخاب و به کار گیرد.

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مربیان و استادان کارآفرینی بایستی مهارت برقراری ارتباط اثربخش برای تبادل احساسات، تقویت انگیزه‌ها و تجربیات با اساتید، دانشجویان و کارآفرینان را داشته باشند که با پژوهش‌های دام و همکارانش (۲۰۰۹) و پفیانکو (۲۰۰۹) در این زمینه مطابقت دارد. سعدی (۱۳۸۸)، رضامندی دانشجویان از توانایی مدرسان در تدریس و آموزش کارآفرینی را یکی از عناصر مهم در تعیین اثربخشی آموزش کارآفرینی می‌داند. قورچیان (۱۳۷۹) نیز بیان داشته که مدرسان دانشگاه بایستی از توانایی شناخت جامعه، قدرت نمایشگری، صاحب دانش و معرفت، قدرت سرپرستی و نظارت، نظم و ترتیب مناسب برخوردار باشد که ب یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت، مدرسان کارآفرینی باید از توانایی‌های زیر جهت تدریس درس کارآفرینی برخوردار باشند: توانایی برقراری ارتباط عاطفی با دانشجویان در کلاس درس، توانایی بهره‌گیری از روش‌های متنوع تدریس درس کارآفرینی، تجربه و مهارت کافی جهت بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری درس کارآفرینی و شایستگی عمومی و توانایی رهبری کلاس.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش، در هر بخش، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که عبارتند از: مشارکتی بودن فعالیت‌های آموزشی درس کارآفرینی در کلاس، استفاده از حرکات غیر کلامی در آموزش درس کارآفرینی، استفاده از مثال‌های ابتکاری حین آموزش درس کارآفرینی، برقراری روابط عاطفی در طول آموزش درس کارآفرینی، استفاده از تجارب عملی افراد کارآفرین و کارآفرینان موفق در ارائه درس کارآفرینی، مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی و انجام فعالیت‌های عملی در قالب پروژه‌های درسی.

در انتخاب روش‌های ارزشیابی (میزان دستیابی برنامه درسی به اهداف موردنظر) درس کارآفرینی باید به‌گونه‌ای عمل کرد که روش مورد نظر با ماهیت برنامه درسی موردنظر مطابقت داشته باشد. تأکید مهم درس کارآفرینی بر یادگیری دانشجویان است، از آنجایی که فعالیت و تفکر مستقل از طریق مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، باید روشی استفاده شود که تا حدودی با این مهم مطابقت داشته باشد (Gillingham, 2005). در ارزشیابی درس کارآفرینی لازم است از روش‌های زیر به صورت توأمان و ترکیبی استفاده شود: استفاده از آزمون میان ترم، استفاده از آزمون پایان ترم، ارائه کارهای عملی به دانشجویان (راه‌اندازی نمایشگاه‌های کسب و کار) و ارائه کنفرانس و سخنرانی‌های کلاسی توسط دانشجویان.

به‌طورکلی می‌توان گفت، از میان مهارت‌های مربوط به تدریس درس کارآفرینی، مهارت‌های تدریس اعم از ایجاد فرصت‌های آموزش عملی برای فراگیران در حوزه تخصصی، بازدید از واحدهای

تجاری و صنعتی فعال، دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به منظور تسهیل فرایند تدریس، آشنا نمودن دانشجویان با چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار کوچک، مدیریت جذاب کلاس درس، ایجاد فرصت‌های لازم برای بروز ابتکار و خلاقیت در فراگیران، به‌کارگیری روش‌های متنوع و نوین تدریس در حوزه کارآفرینی، استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران، مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاسی و ... در اولویت اول؛ مهارت‌های تجربی شامل تجربه کاری اساتید کارآفرینی در زمینه کسب و کار، آشنایی کامل با واقعیت‌های موجود و شکاف‌های بازار، تجزیه و تحلیل نیازهای بازار کار و صنعت، آگاهی از موانع ورود به صنایع مختلف، آگاهی از روند قانونی دریافت تسهیلات از مؤسسات مالی در رتبه دوم؛ ویژگی‌های فردی شامل داشتن روحیه نقدپذیری اساتید، احترام و ارزش قائل شدن برای فراگیران، رعایت انصاف و عدالت و پرهیز از تبعیض در بین فراگیران، داشتن ثبات عاطفی و روانی به‌منظور جلب اعتماد و اطمینان فراگیران نسبت به خود و ... در رتبه سوم و مهارت‌های ارتباطی اعم از برقراری ارتباط دوستانه با فراگیران، توجه کافی و ابراز علاقه به فراگیران، استفاده از انواع مهارت‌های کلامی و غیرکلامی در برخورد با فراگیران، داشتن قدرت بیان و سخنوری قوی و ایجاد محیطی آرامش‌بخش در کلاس در رتبه چهارم قرار می‌گیرند.

## منابع

- Ahmad Khani, A., Alimardani, P., Vaezi, M. (2010). Evaluation and comparison students entrepreneurial personality traits at Sama technical college in Zanjan. at <http://peykrmaharat.ir>. [Persian].
- Al- Hawaj AY., Elali, W. (2008). Higher education in the twenty – first century: Issues and challenges, *Proceeding of the International Conference, Ahlia University, Taylor and Francis Group, London, UK*.
- Azizi, M., Taheri, M. (2013). The effect of entrepreneur education on aim and students entrepreneur featur. *The Innovation and Value Periodlcal*, (2)4: 71-82. [Persian].
- Bazagan, A., Fath Abadi, J., Aeanolahi, B. (2000). A suitable approach of internal evaluation for continuous raise the quality of educational groups at medical schools. *Psychology and Training Science Magazın at Tehran University*, (5)30: 1-26. [Persian].
- Bazargan, A. (2001). Educational evaluation. *Samt Publication. Tehran*. [Persian].
- Cangelosi, J.S. (1991). Evaluating classroom instruction, *New York: Longman*.
- Chin, K., Pun, K. (2002). A proposed framework for implementation TQM in Chinese organizations. *International Journal of Quality & Reliability Management*, 19: 94-272.
- Congelosi, J.S. (1986). Evaluating teaching within a teacher advancement plan, *The Clearing House*, 10: 405-409.
- Cotton, J. (1990). Enterprise education experience, A manual for school based in service training, CASDEC.
- Erkkila, K. (2000). Entrepreneurial education mapping the debates in the United States, his United Kingdom and Finland. *New York, NY: Garland Publishing*.
- Ferasatkah, M. (2006). Preparation and present a pattern for evaluation the quality and credity higher education in Iran based on univrs and Iran experiences. *Higher Education Thesis, Training and Psyology, Shahid Beheshti University*. {Persian}
- Fitri, H., Ilias, A.H., Rahide, Ar., Razak, MZ. (2008). Service quality and student satisfaction: A case study at private higher education institutions. *International Business Research*, 3: 75-163.
- Garvan, T. & Barra, O. (1994). Entrepreneurship education and training programmes: A review and valution, *Journal of European Industrial Training*, 18(11): 13-21.
- Ghorchian, N. (2000). The details of teaching metheds. *Andisheh Fara Shenakhti Publication.Tehran*. [Persian].
- Glingham, D. (2005). 5 Meetup groups match entrepreneurship and self empowern. *United Kingdom. Aston University*.
- Hatami, J., Mohammadi, R., Shaghi, F. (2011). Structure challenge for control and evaluation the quality of Iran higher education. *Symposium in Fifth Conference for Evaluation the Quality in University System, Tehran University*. [Persian].
- Kanjori, Z., Mohammadi zadeh, H. (2013). The role of teachers in education and development of entrepreneur thinking. *Fifth National Education Conference*. [Persian].
- Kent, P., Calvin, A. (1990). Entrepreneurship education: current developments, future directions. *New York: Quorum Books*, 1990.
- Mwasalwiba, E.S. (2008). Entrepreneurship education: A review of its objectives, teaching methods and impact indicators. *Education and Training*, 25(1): 20-47.
- Pezeshki, G., Mohtasham, H. (2003). The internal evaluation of suitable approach for improvement the quality of agricultural higher education. *Higher Education Research and Planning Periodical*, 9(3): 27-48. [Persian].
- Potter, J. (2008). Entrepreneurship and higher education: future policy direction. *OECD Education & Skills*. 18: 313-335.
- Sadi, H. (2009). Study the effectiveness of Hamedan technical training periods. [Persian].
- Sexton, D., & Kasarda, J. (1992). Entrepreneurship, *PWS-Kent Publishing Co*.